

بررسی حقوقی قابلیت‌های زنان ایرانی برای پیشبرد بسیج عمومی؛ الزامات تضمین امنیت فرهنگی

پروانه تیلا*

کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۴

چکیده

نیروی مقاومت بسیج، در کنار مأموریت اصلی خود، نهادی فرهنگی است. با توجه به اینکه امنیت فرهنگ عمومی یکی از لوازم اساسی سلامت جامعه می‌باشد، حضور مؤثر بسیج در تعیین، تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی امری ضروری است. در این مقاله به قابلیت‌های زنان در جامعه برای پیشبرد اهداف بسیج عمومی پرداخته می‌شود و در این خصوص، وضعیت امنیت فرهنگی و نقشی که بسیج در این راستا می‌تواند با توجه به وضعیت زنان ایفا کند، تحلیل می‌گردد. هدف اصلی مقاله، توجه به استقلال و هویت فرهنگی در وضع کنونی جامعه است. به همین دلیل، پس از تشریح کارکردهای فرهنگی بسیج (نقش بسیج در تأمین و تضمین استقلال فرهنگی جامعه به دلیل موضوعیت مأموریت آن با آحاد ملت از یک سو و گستردگی دامنه فعالیت بسیج در تمامی اقشار و اصناف که سازندگان و بازیگران اصلی در صحنه فرهنگ را تشکیل می‌دهند)، تدابیر خاص فرهنگی مربوط به حمایت از زنان از طریق بسیج ارائه و پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی

بسیج، امنیت فرهنگی، زنان، جامعه ایرانی، قانون، کارکردهای فرهنگی.

* مدیر گروه مطالعات حقوق عمومی در اداره کل پژوهش ریاست جمهوری.

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی؛ یعنی حرکت متّصف به سه وصف مردمی «اعتقاد ملت، انقلاب ملت و رهبری ملت» و نقش گسترده مردم در تحقق آن، ایجاد ساختارهایی با هدف تأمین و حفظ دستاوردهای آن، (هاشمی، ۱۳۷۷) مطرح شد که شکل‌گیری نهادهای عمومی به‌ویژه بسیج مردمی را در کشور به دنبال داشت. بنیان شکل‌گیری بسیج در پرتو این اصل، سازماندهی اقدام مردمی برای دفاع از کشور و دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده است. از این جهت، ادغام بسیج در قالب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بر اساس قانون اساسی مأمور دفاع از دستاوردهای انقلاب است، با نظم حقوقی مبتنی بر اولویت قانون اساسی همساز است.

با تبیین بنیادهای شکل‌گیری بسیج در قانون اساسی، زمینه‌های فعالیت سایر نهادها نیز در تقنین و قاعده‌سازی پیرامون کارکردهای تکمیلی بسیج فراهم شد. شورای انقلاب، نخستین نهاد رسمی فعال در تشریح این کارکردها بوده است. شورای انقلاب اسلامی در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ ضمن تصویب تشکیل سازمانی به نام «بسیج ملی» زیر نظر وزارت کشور، تشکیل ارتش بیست میلیونی به فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی را تصویب کرد و مقابله با تهدیدات داخلی، خارجی و سوانح طبیعی را رسالت آن برشمرد (مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۵۹؛ ص ۸۳). در واقع با توجه به اشتراکات کارکرد این سازمان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به‌ویژه «دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقابله با هر گونه تهدید»، مجلس شورای اسلامی مقرر کرد که سازمان بسیج مستضعفین، تحت عنوان «واحد بسیج» و بعدها، «نیروی مقاومت بسیج»، در سپاه ادغام شود. (همان، صص ۵۲۳-۵۲۲)

بنابراین، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «بسیج عمومی» متشکل از تمامی اقشار و اصناف و با دو کارویژه همزمان دفاعی و غیرنظامی، پایه ریزی شد تا با اتکا به توان اراده عمومی و قدرت مشارکت آنها، با موقعیتهایی که به لحاظ تهدید امنیتی یا بحران ناشی از حوادث و سوانح، منافع عمومی را در مخاطره قرار می‌دهند، برخورد شود. در واقع؛ شکل‌گیری بسیج، به معنای قبول نقش بی‌نظیر اراده عمومی و مشارکت ملی در حل بحرانها و موقعیتهای اضطراری است.

مأموریت بسیج با توجه به وضعیت منحصر به فرد کشور (به‌ویژه تکثر جمعیت یا

پویایی عامل انسانی، وسعت جغرافیایی یا عنصر ارضی، تنوع قومی، سابقه تمدن ملی و اسلامی به منزله بستر طرح اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف در میان مردم^۱ (دورژه، ۱۳۷۶، صص ۲۹-۳۳) و همچنین موقعیت حیاتی ایران در قلب جهان که همواره آن را هدف مطامع سایر کشورها قرار داده، وضعیتی ویژه دارد. پیشبرد اهداف و مأموریت‌های ذاتی بسیج به عنوان نتیجه صورت‌بندی سازمان‌یافته عموم در قالب اقشار و اصناف مختلف و همبستگی داوطلبانه آنها برای تأمین اهداف جمعی و دفاع از ارزشهای جامعه، مستلزم توجه به عناصر و بسترهای جامعه شناختی بسیج و نقش اقشار مختلف از جمله زنان و بازسنجی نتایج نقش زنان ایرانی در وقوع انقلاب اسلامی و دفاع از آن در طول هشت سال جنگ تحمیلی^۲ است.

در این تحقیق به قابلیت‌های زنان در جامعه برای پیشبرد اهداف بسیج عمومی پرداخته می‌شود و در این خصوص، وضعیت امنیت فرهنگی و نقشی که بسیج در این راستا می‌تواند با توجه به وضعیت زنان ایفا کند، تحلیل می‌گردد. برخی تحلیلها، زنان را به سه دسته «عادی، سپاهی و بسیجی» تقسیم کرده است (زروندی، ۱۳۸۳، ص ۱۷). این پژوهش بر زنان در کلیت جامعه ایرانی و استفاده از ظرفیت‌های آنان برای پیشبرد بسیج عمومی استوار است و هدف اصلی آن، توجه به استقلال و هویت فرهنگی در وضع کنونی جامعه است. به همین دلیل، پس از تشریح کارکردهای فرهنگی بسیج (نقش بسیج در تأمین و تضمین استقلال فرهنگی جامعه به دلیل موضوعیت مأموریت آن با آحاد ملت از یک سو و گستردگی دامنه فعالیت بسیج در تمامی اقشار و اصناف که سازندگان و بازیگران اصلی در صحنه فرهنگ را تشکیل می‌دهند از سوی دیگر)، تدابیر خاص فرهنگی مربوط به حمایت از زنان از طریق بسیج ارائه و پیشنهاد شده است.

در آغاز، موقعیت و پتانسیل زنان در جامعه ایرانی را از نگاه اسناد بنیادین حقوقی کشور (قانون اساسی) تحلیل خواهیم کرد (بند اول)؛ سپس با تأملی در کارکرد فرهنگی بسیج (به‌ویژه در بُعد صیانت فرهنگی و تضمین امنیت فرهنگی جامعه (بند دوم)،

۱- یعنی آنچه در جامعه شناسی سیاسی به عنوان چارچوبه های طبیعی، جمعیتی و اجتماعی سیاسی تلقی می‌گردد.

۲- در خصوص شرح آمادگی زنان برای دفاع از کوی و برزن و سوابق آن ر.ک. به: الیاسی و سوری، ۱۳۸۳، صص ۳۱-۵۴.

ضرورتها و بایسته های اقدام بسیج در امور زنان را در راستای تحقق اهداف بسیج عمومی و ارتش بیست میلیونی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد (بند سوم). بدون شک، این نوشتار و محورهای تحلیل شده در آن، می‌تواند به عنوان ترسیم خطوط تحلیلیها و مطالعات و پژوهشهای متعدد حقوقی و جامعه‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد. از این حیث، امید است که بنیاد مناسب برای این تحلیل و مطالعات را به خوبی فراهم سازد و مشوق تحقیقات آینده سایر محققین بسیج باشد.

بند اول: حمایت از زنان و توانمندیهای آنها در پرتو قانون اساسی

قانون اساسی از دید نظری، منشور حقوقی شکل‌گیری نظام سیاسی، میثاق اجتماعی توزیع و آفرینش صلاحیتها (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۱) و سازش حقوق و تکالیف فرادستان و فرودستان و از دید عملی یا کارویژه‌ای، قطب‌نمای حرکت سفینه حکومت به سمت آرمانها و اهداف یک ملت (کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۸۸) و رهاورد اراده عموم؛ یعنی صاحبان اصلی حاکمیت و سازندگان اصلی حکومت است. (Starck, 2003; p.46)

جمهوری اسلامی نیز به عنوان نظامی نوین و متکی بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت به او (بند ۱، اصل دوم قانون اساسی) مقرر داشته که حاکمیت مطلق از آن خداست، ولی انسان به حکم او، بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم است (اصل پنجاه و ششم قانون اساسی) و بدین‌سان، باید در برابر اوامر خداوندی، سر تسلیم فرود آورد (بند ۱، اصل دوم قانون اساسی). در این راستا، اساساً تکیه کلام بر «انسان» و اهمیت آن در برداشت دینی از پیدایش دنیاست. به همین دلیل، حقوق و مسئولیتهای انسان در مسیر رشد و تعالی و گذار از زندگی دنیوی به عنوان عرصه گذر به وادی نهایی و موعود، با استنباط احکام ارزشی تعبیه شده است.

با این حال، در احکام الهی نیز پس از ذکر اصول و قواعد کلی حاکم بر زیست بشری و تکریم انسان به عنوان جانشین خدا بر روی زمین، احکام خاصی برای بشر بر حسب جنسیت و اصناف و اقشار اجتماع وضع شده است. در واقع؛ بدین طریق با روشنگری، وضعیت حقوقی هر یک از انسانها در پرتو این وضعیتهای متفاوت تبیین شده است. با این تذکر که هیچ‌یک از این طبقه‌بندیها مبنایی برای برتری خلق بر یکدیگر تلقی نشده (و طبقات اجتماعی مرسوم در اجتماعات آن روزگار که موجب تفاوت در

حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی می‌شد، مطرود اعلام شده)^۱ و تنها ملاک برتری و تقدم انسانها نزد خداوند، ایمان و درجه تقوای آنها قلمداد شده است: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم».

به همین دلیل و با چنین توجیهی است که تهیه‌کنندگان قانون اساسی در کنار بیان نقش ملت با کلیت آن در تحقق انقلاب اسلامی و مجاهدت آنها به منظور برقراری حکومت مبتنی بر موازین دینی، به نقش ویژه زنان در استقرار این نظام، ضمن تأکید بر لزوم حمایت ویژه از آنها (تبیین حقوق و مسئولیت‌های ویژه زنان در امور خانوادگی، سیاسی و اجتماعی)، اشاره کرده است.

از باب بیان نقش ویژه زنان در تحقق انقلاب اسلامی، در مقدمه این قانون و ذیل عنوان «خشم ملت» آمده است: «همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین کننده بود و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند».

مقدمه این قانون با اختصاص دادن بندی به «زن در قانون اساسی» مواضع کلی نظام نسبت به زنان به عنوان اعضای مهم این اجتماع را چنین بیان داشته است:

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تا کنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی، طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تا کنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصلی اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شیئی بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استعمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراچ مادری در پرورش انسانهای مکتبی

۱- در مقدمه قانون اساسی و ذیل عنوان «شیوه حکومت در اسلام» آمده است که: «حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی نیست. بلکه تبلور آرمان ملتی همکیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهادی (حرکت به سوی الله) بگشاید».

پیشاهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدانهای فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی، برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

در میان اصول نیز، اصل بیست و یکم اختصاصاً به وظیفه دولت در اتخاذ اقدامات ایجابی و مشخص به منظور تأمین حقوق همه جانبه زنان می‌پردازد و از جمله در بند ۱ آن با نگاهی کلی و محوری، ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی زنان را اساسی‌ترین وظیفه دولت قلمداد می‌کند.

در واقع؛ قانونگذار بر مبنای دید دینی، هیچ‌گونه تفاوتی در اصل حضور زنان و مردان در اجتماع و نحوه طی مسیر زندگی برای حصول به کمال قائل نشده، بلکه با در نظر گرفتن وضعیت متناسب هر دسته از آنها، حقوق و تعهداتی مشخص تعبیه^۱ و حتی با توجه به حضور زنان در هسته کانون خانواده (که خود هسته اصلی اجتماع است) و حضور فعال در زندگی اجتماعی و سیاسی، ارزشمندی نقش و حضور زنان را بیشتر از سایر اعضای اجتماع تلقی کرده است.

فارغ از ملاحظات انسانی و اجتماعی، واقعیات جوامع امروزی به‌ویژه در قالب سیاستهای مدیریت امور جامعه، به‌خوبی نشان می‌دهد که زنان نه تنها اعضای جامعه انسانی، بلکه بیشترین اعضای آن را تشکیل می‌دهند و بدیهی است که عدم استفاده از توانمندیهای آنها در مدیریت و راهبری اجتماع، موجب از دست رفتن سرمایه عظیم انسانی می‌شود. حضرت امام(ره) نیز تحول نقش زنان را در ایران پس از انقلاب به عنوان نکته‌ای قابل توجه بیان داشتند که در برخی از عرصه‌ها به اقتضای وضعیت خاص زنان، اثربخش‌تر هستند. (امام‌خمينی(ره)، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۳۰)

علاوه بر نقشهای مشترک زنان و مردان، زنان در برخی از امور به دلیل تناسب موضوع آن با قابلیت‌های عمومی آنان، کارایی و اثربخشی به مراتب بیشتری دارند. کارکرد زنان در امور فرهنگی نظیر تعلیم و تربیت، مهم‌ترین این موارد به نظر می‌رسد. درک وضعیتهای خاص مربوط به زنان در اجتماعات امروز سبب شده که مطالعاتی

۱- بر اساس اصل بیستم قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند. بند ۱۴ اصل سوم نیز مقرر کرده که تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد، وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران است.

اختصاصی تحت عناوین جامعه‌شناسی زنان در سایر کشورها به انجام رسد.^۱ (دورژه، ۱۳۷۶، صص ۸۲-۸۱)

به توجه به اینکه رسالت نیروی مقاومت بسیج، تشکّل کلیه آحاد ملت و سازمان دادن به نقشها و توانمندی آنها در جهت دفاع از امنیت اجتماع و مقابله با عوامل داخلی و خارجی تهدیدکننده حیات اجتماع عمومی و جامعه سیاسی و اعضای آن است، از جهات مختلف می‌تواند با مطالعات زنان نه تنها گستره بسیج را به سمت و سوی «عمومیت» بسط دهد بلکه با اختصاص تدابیر و راهبردهای ویژه یا مؤکد بر قابلیت‌های زنان در جامعه ایرانی و اسلامی، این بخش از ترکیب انسانی جامعه را در جهت انجام مأموریت‌های بسیج به کار گیرد تا در نهایت، هر ایرانی اعم از زن و مرد، پیر و جوان، یک بسیجی باشد و برای خدمت به جامعه و دفاع از آن مهیا شود.

با توصیف شناسایی وضعیت حیاتی حضور و نقش زنان در زندگی فردی و اجتماعی از نگاه قانونگذار اساسی، اکنون شایسته است به صورت مشخص، به محورهای ارتباط بسیج با زنان به‌ویژه سلامت فرهنگی جامعه و لزوم ممارست بیشتر بسیج در بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنان در جامعه پرداخته شود و با شناخت وضعیت موجود، راهکارهایی برای اصلاح قوانین و مقررات موجود ارائه گردد.

بند دوم: نقش و تلاش بسیج برای تأمین امنیت فرهنگی: ملاحظات قانونی

در ادبیات حقوقی و سیاسی، مؤلفه‌های جدید به‌ویژه تقدّم منافع بشریت (Human Security and Interests) و کرامت انسانی (Human dignity)، بسیاری از مقوله‌های مهم امنیتی را به تحول وادشته است. به عنوان نمونه، «امنیت ملی» (National Security) بیش از آنکه متکی به ابعاد سخت افزاری و تجهیز قابلیت‌های نظامی و تجهیزات نیروهای مسلح باشد، به قدرت نرم‌افزاری به‌ویژه همبستگی و وفاق ملی (National coherence and solidarity) به عنوان بستر حرکت نظم‌آفرین در ابعاد داخلی و آمادگی مقابله با هرگونه تهدید خارجی، اطلاق می‌شود.

در این میان، لازمه حفظ تمامیت ارضی (Territorial integrity) و استقلال کشور و مصونیت از تهدید، تجهیز ملت به عناصر وحدت‌آفرین و حفظ همبستگی آنان است و

۱- در مطالعات عمومی جامعه‌شناسی سیاسی نیز همین مباحث در قالب طبقه‌بندی جنسیتی مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد.

بدون شک، این حوزه و لایه از امنیت عمومی را که می‌توان «امنیت فرهنگی» نامید، در سایه بازشناسی هویت جامعه با تأکید بر هویت دینی و ملی و تجمیع این عناصر هویت‌ساز به منظور ممانعت از آسیب‌پذیری فرهنگی میسر می‌گردد و بار این مسئولیت عمدتاً بر عهده نهادهایی است که در سیاستگذاریهای فرهنگی نقش آفرینی می‌کنند. با توجه به آنچه در زیر خواهد آمد، یکی از نهادهای اصلی عمومی و دولتی در این رابطه، نیروی مقاومت بسیج است.

ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی (۵۹/۵/۱۰) شورای انقلاب با تفسیر موسّع از «تهدید و تجاوز»، به صراحت مقرر کرده که مأموریت دفاعی و نظامی بسیج، شامل دفاع فرهنگی نیز می‌شود. بر اساس این ماده، «در اجرای فرمان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ایجاد، آموزش و بسیج ارتش بیست میلیونی جهت پیشگیری و مقابله با هرگونه تهدید و تجاوز نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ... سازمانی به نام سازمان بسیج ملی زیر نظر فرمانده کل قوا ... تشکیل می‌گردد».

به عبارت دیگر، حرکت جامعه به سوی اهداف و مقاصد عالی پیش‌بینی شده که تعالی فرد و اجتماع در مسیر سعادت است، نظمی را طلب می‌کند که وظیفه اصلی کلیه نهادهای عمومی، برقراری این نظم و صیانت از آن است. نظم فرهنگی یا آرامش و امنیت مردم از لحاظ فرهنگی، یکی از این شرایط و لوازم حرکت عادی و طبیعی فرد و اجتماع است که تأمین آن بر عهده نهادهای مختلف فرهنگی می‌باشد. بدیهی است که تهدید و تجاوز بیگانه و حتی تهدید داخلی علیه امنیت کشورها تنها به اقدامات نظامی محدود نمی‌شود بلکه تاریخ به خوبی تأیید می‌کند که در اغلب موارد، این تهدیدها و تجاوزها در ابعاد دیگر؛ یعنی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی صورت گرفته است. خساراتی که ملتها از رهگذر تهدید یا تجاوز فرهنگی متحمل می‌شوند بسیار عمیق‌تر و دامنه‌دارتر از آسیب‌های محسوس ناشی از حملات نظامی است.

امام به عنوان مؤسس بسیج، مأموریت این نیرو در «پیشگیری و مقابله» با «تهدید و تجاوز» را نه تنها در ابعاد نظامی بلکه در مقیاس فرهنگی و سیاسی نیز مدنظر داشتند. بسیج به لحاظ ارتباط عمیق با مردم در سطوح و اقشار مختلف، بهترین ظرفیت فرهنگی را دارد و نه تنها می‌تواند به تقویت و ارتقای فرهنگی و حتی فرهنگ سازی مبادرت ورزد بلکه می‌تواند نقش صیانت از فرهنگ ملی و اسلامی را در قبال تهاجمات بیگانه

نیز به خوبی ایفا کند. در هر حال، مأموریت‌های بسیج در قبال تأمین و حفظ امنیت فرهنگی و حتی سیاسی، در کلیه موازین حقوقی ناظر بر بسیج مورد تأکید قرار گرفته و این امر از مأموریت‌ها و کارویژه‌های اصلی بسیج تلقی می‌گردد.

در مصوبه ۱۳۷۰/۸/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی مربوط به تشکیل کمیته امور بین‌الملل شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، مصوبه مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص بهره‌گیری از مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی، هیئتی را با حضور فرمانده نیروی مقاومت بسیج تشکیل داده است (مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸، صص ۴۸۲-۴۸۱). در آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان (همان، ص ۶۳۴، بند ۱۱، ماده ۲) و اساسنامه شورای دانش آموزی (همان، ص ۷۳۷، بند ۴، ماده ۷) نیز نماینده نیروی مقاومت بسیج به عنوان عضو این شورا پیش‌بینی شده است.

بنابراین، چندمنظوره بودن کارکرد، مأموریت و اهداف بسیج، زمینه‌های قانونی حضور مؤثر آن در تنسيق امور فرهنگی جامعه و دفاع از استقلال فرهنگی را فراهم کرده است و اگر برخی قوانین و مقررات از شناسایی این کارکرد اغماض کرده‌اند، باید اصلاح و بازبینی شوند.

در این میان، آیین‌نامه شورای فرهنگی عمومی مصوب سال ۱۳۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱، سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۲۴ (همان، صص ۷۸۶-۷۶۳) و همچنین آیین‌نامه نحوه اجرای بند «ج» ماده ۱۶۲ قانون برنامه سوم توسعه (تشکیل ستاد نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی کشور) از جمله مواردی هستند که موقعیت خاص بسیج را در ساماندهی امور فرهنگی مورد توجه قرار نداده و در نهادهای ویژه پیگیری و اجرای سیاست‌های خاص فرهنگی، حضور نمایندگان نیروی مقاومت بسیج را به عنوان عضو، پیش‌بینی نکرده‌اند.

با اثبات این کارکرد عمومی به عنوان یکی از کارکردهای اصلی بسیج، آن را با نقش فرهنگی زنان پیوند خواهیم داد و نقایص موجود راهبردی (عمدتاً ماهوی و نه شکلی) را که در بند بعد ارائه خواهیم کرد، مهیای اقدام و ابتکارات جدید بسیج در امور زنان برخواهیم شمرد. از آنجا که «بسیج یعنی پیشگام در همه میدانهای مورد نیاز کشور و نظام اسلامی» (شریفی، ۱۳۸۲، ص ۲۸)، ممارست به منظور رفع این نقایص مستلزم

۱- در ماده ۲ این مصوبه راجع به ترکیب شورا، از نیروی مقاومت بسیج یاد نشده است.

ابتکار عمل بسیج خواهد بود.

بند سوم: تحقق بسیج عمومی و ضرورت‌های اقدام در امور زنان ایرانی

مهم‌ترین مجرای سیاستگذاری در امور زنان، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی است و به دلیل اینکه نماینده نیروی مقاومت بسیج نیز در این شورا عضویت دارد، امکان انتقال داده‌ها و تحلیلهای بسیج از اوضاع فرهنگی و اجتماعی زنان و همچنین تصویب محورهای کلی برنامه ریزی بسیج برای اقدام در مورد زنان بسیجی وجود دارد. علاوه بر این، بر اساس قوانین و مقررات مربوط، مأموریت‌های کلی بسیج نیز تبیین شده و در صورتی که ضرورت اقتضا کند، فرماندهی نیروی مقاومت می‌تواند رأساً تدابیر لازم را در خصوص زنان بسیجی اتخاذ نماید.

با در نظر گرفتن وضعیت زنان در اوضاع کنونی کشورمان و همچنین ضرورت استفاده از مبانی جامعه‌شناختی بسط بسیج به منظور تحقق فرمان ارتش بیست میلیونی، به نظر می‌رسد موارد زیر، مهم‌ترین محورها و رئوس تدبیراندیشی بسیج در استفاده از پتانسیلها و توانمندیهای زنان به منظور تحقق اهداف و مأموریت‌های این نیرو باشند. این تدابیر با اتخاذ اقدامات عام یا خاص به منظور حصول به آنها ممکن است در برخی موارد با هماهنگی سایر نهادها و استفاده از تجمیع صلاحیت و امکانات قانونی نهادهای فرهنگی انجام پذیرد. با این حال، ابتکار عمل بسیج در این خصوص، نقش راهبری بسیج در تضمین امنیت فرهنگی و نهایتاً امنیت عمومی را نمودار خواهد ساخت.

به منظور پرهیز از اطالۀ بحث، تنها به تسهیل حضور زنان در مجامع اسلامی و انقلابی و از جمله در ترکیب مدیریت بسیج، تقویت فعالیتهای فرهنگی و ایمنی و امنیتی زنان، معرفی الگوی زن مسلمان و انقلابی، گسترش فعالیتهای سازمان‌یافته زنان از جمله حول محور تشکلهای غیردولتی بسیجی و همچنین فراهم ساختن زمینه‌های احیای موقعیت اجتماعی زنان ایرانی اشاره می‌شود.

۱- استفاده از زنان در ترکیب انسانی مدیریت بسیج و ارائه الگوی عمومی

یکی از اقدامات مؤثر به منظور مقابله با ارائه تعبیر وارونه از نقش زن در بینش اسلامی، افزایش و تسهیل زمینه‌های «حضور فعال زنان در سازمانهای اسلامی و مجامع انقلابی» (همان، ۱۳۷۸، ص ۴۳۲، بند ۵، ماده ۱) است تا بدین ترتیب، پاسخ این برداشتها، با رویه

عملی جامعه اسلامی به صورت قاطع داده شود. در بند ۴-۵ از راهکارهای فرهنگی - اجتماعی برنامه دولت نهم نیز «مشارکت دادن زنان مستعد با رعایت مراتب شایسته سالاری در مدیریت کشور» مورد تأکید قرار گرفته است (برنامه دولت نهم، ۱۳۸۴، ص ۲۶). بسیج از جمله این مجامع انقلابی و اسلامی است که باید در این خصوص پیشرو بوده و بدان اولویت دهد.

از طرف دیگر، رسالت بسیج، حضور مؤثر و فراگیر در کلیه عرصه‌های زیست جمعی و در کانون تفکرات اجتماعی است. برای عمومیت دادن به بسیج، لازم است دیدگاه و نظر زنان نه تنها در تعیین و تبیین سیاستها مدنظر قرار گیرد بلکه با بهره‌گیری مستقیم از زنان در ترکیب راهبری بسیج، نتایج این ایده‌ها به صورت ملموس در این راهبردها دخالت داده شود.

حضور زنان در قالب بسیج، پیوند اجتماعی بسیج را عمیق تر می سازد و بستر اجتماعی بسط سازمان و ساختار بسیج و همچنین ارتقای کیفیت و کارکرد بسیج را تقویت و تضمین خواهد کرد. در تعیین سیاستها، باید وضعیت ویژه زنان و نیازها و خواسته‌های متفاوت آنها مدنظر قرار گیرد و زمینه‌های بروز خلاقیت‌های آنها در اموری که خاص آنان یا قابلیت‌های آنها در آن امور بیش از مردان یا مناسب تر است، فراهم شود.

| وسيله | هدف |
|---------------------------------|--|
| ارتقای اقتدار و کارآیی بسیج (۴) | نظم عمومی و ثبات فرهنگی - اجتماعی (۳) |
| حمایت از زنان و بسط بسیج (۱) | ارتقای تأمین حقوق زنان و امنیت عمومی (۲) |

هنگامی که حقوق زنان و وضعیت ویژه آنها مورد توجه قرار گیرد و زمینه‌های شکوفایی استعدادها و انجام مسئولیت‌های مهم آنها فراهم گردد، با گسترش دامنه بسیج در سطح عمومی اجتماع، حمایت از بسیج و عمومیت یافتن آن تسهیل می گردد و در نتیجه، اقتدار و کارآیی بسیج در انجام مأموریت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دفاعی افزایش می یابد. در عین حال، ارتقای قدرت و توانمندی بسیج نیز زمینه ساز تحقق و حمایت از امنیت ملی و و نظم عمومی می‌شود. (درخصوص الگوبرداری از برداشت و دیدگاه نهادگرا در مورد سیاست و حکومت ر. ک. به: کاظمی، ۱۳۷۹، صص ۵۷ و ۹۲)

۲- تقویت فعالیتهای فرهنگی، تفریحی و ورزشی زنان در سراسر کشور به‌ویژه مناطق محروم

برای تضمین امنیت فرهنگی باید ضمن شناسایی عوامل ظهور سلطه فرهنگی بیگانه و طرق نفوذ آنها، علل و عوامل آسیب‌پذیری فرهنگ بومی نیز شناخته شود و تدابیر لازم به منظور تقویت فرهنگ بومی و از بین بردن مجاری ورود فرهنگ بیگانه و انقطاع سلطه فرهنگی اندیشیده شود. بدون تردید، نقطه ثقل این حرکت، تکیه بر خودباوری و ارتقای درک مردم از فرهنگ خودی است. با توجه به اینکه در فرایند استعمار و تهاجم فرهنگی، توجه خاصی به وضعیت زنان می‌شود، در اتخاذ راهبردهای مقابله با آنها نیز باید وضعیت ویژه زنان ایرانی مدنظر قرار گیرد.

در این رابطه به نظر می‌رسد عمده‌ترین اقدامات فرهنگی، برگزاری دوره‌های گسترده و منظم درک فرهنگ خودی و اقدامات فرهنگی (اعم از ادبی، هنری و نظایر آن) برای زنان به‌ویژه زنان بسیجی (مقابله فرهنگی نامحسوس) و همچنین تشریح روند تهاجم فرهنگی و روشهای مقابله با آن (اقدام محسوس) باشد. از طرف دیگر، اوقات فراغت مردم باید به نحوی پر گردد که به گسترش فرهنگ بیگانه و از بین رفتن مبانی فرهنگ ملی که یکی از عناصر پایه‌ای وحدت و وفاق عمومی است، لطمه نزنند. به همین دلیل، برنامه‌های تفریحی و ورزشی سالم و هدفمند از سوی بسیج و دیگر نهادهای فرهنگی، در این راستا نقش حیاتی خواهد داشت. (قاسمی، ۱۳۸۲، صص ۱۹۶-۱۸۵)

نیروی مقاومت از سالهای گذشته همواره این برنامه‌ها را در قالب اردوهای فرهنگی، تفریح و ورزشی اجرا کرده و در این راستا تلاش گسترده و منظمی را به عمل آورده و حتی اثربخشی از اقدامات فرهنگی، مورد مطالعه علمی نیز قرار گرفته است، (فارسی، ۱۳۸۲، صص ۱۹۵-۱۸۵). در این رابطه لازم است این برنامه‌ها متناسب با تحولات روز و تغییرات روش تهاجم فرهنگی، تکمیل شود و به اجرا در آید. نکته بسیار مهم در این رابطه، توجه به مناطق محروم کشور و ترکیب جنسیتی جمعیت این مناطق و ارتقای پیوند روان‌شناختی زنان این مناطق با بسیج است. توجه ویژه به جمعیت این مناطق، ارتقای عدالت گستری (که در برنامه دولت نهم به عنوان نخستین محور فعالیت دولت شناخته شده است) در برنامه‌های بسیج را در پی خواهد داشت.

یکی از برنامه‌های دولت در امور فرهنگی، گسترش فرهنگ عفاف بوده است. همان‌طور که در اصول و مبانی و روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است، در توسعه و ترویج این فرهنگ نه تنها زنان بلکه مردان نیز باید مخاطب قرار گیرند (مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۶۵۳). با این حال، اساساً نقش زنان در این خصوص برجسته‌تر است. بسیج در این خصوص نیز نه تنها می‌تواند الگوهای عملی فرهنگ عفاف را در جامعه ترویج کند بلکه می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیتهای زنان بسیجی، اصلی‌ترین نهاد در فرهنگ‌سازی باشد.

تفاوت شاخص بسیج با دیگر نهادها؛ یعنی همزمانی وضعیت سیاستگذاری و اجرا (در حالی که اغلب نهادهای فرهنگی تنها در مرحله سیاستگذاری امور زنان نقش داشته و فاقد بسترهای اجتماعی تحقق بخشیدن عملی به این سیاستها می‌باشند)، برترین وجاهت و فرصت ایفای این نقش خطیر فرهنگ‌سازی را فراهم کرده و بسیج باید از آن به‌ویژه در شرایط کنونی که موج تهاجم فرهنگی و ضریب آسیب‌پذیری فرهنگی به شدت افزایش یافته، استفاده کند.

۳- معرفی الگوی زن مسلمان و انقلابی

احیای ارزشهای دینی و انقلابی و حمایت از دستاوردهای انقلاب، در صدر اهداف بسیج قرار دارد. با توجه به نقش محوری زنان در این راستا که در مقدمه و اصول قانون اساسی اشاره شد، برنامه‌های بسیج باید زمینه‌ساز معرفی الگوی زن انقلابی و مسلمان باشد.

در بند ۱ ماده ۱ مصوبه ۱۳۷۰/۸/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی راجع به تشکیل کمیته امور بین‌الملل شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، معرفی زن مسلمان را به عنوان الگوی زن شایسته یکی از اهداف تشکیل این کمیته دانسته است. (همان، ۷۸، ص ۴۳۲)

بدون تردید، بسیج در این راستا علاوه بر اینکه عضو شورای فرهنگی و اجتماعی زنان بوده و در تصمیم‌گیریهای آن نقش دارد، می‌تواند با ترسیم خطوط کلی، به‌منظور تأمین این هدف چه در عرصه درون ملی یا بین‌المللی، این سیاستهای کلی و کلان را در جریان اقدامات اجرایی و راهبردی خود به‌منصه ظهور برساند. بخش اعظمی از اعضای کنونی بسیج نظیر ادارات و اصناف و دانش‌آموزان و دانشجویان را «زنان»

تشکیل می‌دهند. طبیعی است که با اتخاذ برنامه‌های مشخص، معرفی زن مسلمان به عنوان یک الگو با حفظ احترام نسبت به سایر ادیان و کرامت انسانی (اعم از زن و مرد) به عنوان نقطه اشتراک کلیه ادیان الهی، میسر است و در این راه، بسیج از بیشترین پتانسیل برخوردار است.

از جمله پیشنهادهایی که در خصوص زنان الگو می‌توان مطرح کرد، انتخاب زنان بسیجی نمونه در طول سال است. همان‌طور که در بند ۸ ماده ۲ مصوبه ۱۳۷۰/۸/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است، (همان، ص ۴۳) زنان نمونه ایرانی باید مورد تقدیر و حمایت قرار گیرند. در این راستا، نیروی مقاومت بسیج می‌تواند در میان زنان بسیجی، همه ساله تعدادی را با در نظر گرفتن اهمیت نقش و فعالیتشان در حوزه بسیج، انتخاب و در سطح ملی و کشوری معرفی کند.

از طرف دیگر، بسیج می‌تواند با پیشنهاد «سطح فعالیت در زمینه بسیج»، به عنوان یکی از شاخصهای انتخاب تحقیقات و محققین برتر کشور در جشنواره خوارزمی (به‌ویژه تحقیقات نظری) و حتی اختصاص یک یا چند کرسی و مدال به محققین (از جمله زنان) در حوزه بسیج، روند الگوسازی زنان و مردان بسیجی را تعمیق بخشد.

۴- هدایت و گسترش پژوهشهای مربوط به زنان برای احیا و اعتلای ارزشهای زن مسلمان و انقلابی

در فرایند برنامه‌ریزی منطقی و کلان کشور، پژوهش و تحقیق یکی از ضرورتها تلقی می‌شود بدون اندیشه جامع و تفکر گفتمانی نیروهای متخصص و متعهد، تدبیراندیشی در خصوص شناخت مشکلات اجتماع و ارائه راه‌حل صحیح به‌منظور حل آنها میسر نخواهد شد. در خصوص وضعیت زنان و اعتلای جایگاه آنها بر اساس ارزشهای اسلامی و انسانی نیز این وضعیت صادق است؛ تا جایی که در اصول سیاست تحقیقاتی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز توجه ویژه به تحقیقات و پژوهشهای زنان در جریان توسعه عمومی و همه‌جانبه کشور مورد تأکید قرار گرفته است.

از آنجا که بسیج سکاندار فرهنگ ارزشی و حمایت از ارزشهای انقلاب اسلامی است، از طریق تشویق مطالعات راجع به زنان الگوی مسلمان و انقلابی، می‌تواند اولاً؛ موانع و مشکلات موجود فرهنگی و اجتماعی فراروی اعتلای شخصیت و منزلت زنان

مسلمان و انقلابی را شناسایی نماید. ثانیاً؛ به کمک تشخیص علمی و کارشناسانه وضع موجود و نحوه گذار به وضعیت مطلوب، راهکارهای شایسته و مناسب را به مجموعه نهادهای سیاستگذار امور زنان ارائه و مسیر ارتقای فرهنگ عمومی و سازش خرده فرهنگها با امنیت همبسته مبتنی بر نقش فعال کلیه اعضای جامعه از جمله زنان را هموار سازد.

علاوه بر اقدامات و حرکت‌های اثربخش ملی، به نظر می‌رسد ایجاد مرکز مطالعات امور زنان بسیجی و یا تشکیل دفاتر ویژه در مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی بسیج نظیر مرکز ارتش بیست میلیونی و یا مرکز افکارسنجی، از جمله پیشنهادهای مشخص و قابل توجه به منظور حصول به این اهداف از سوی بسیج (با بهره‌گیری از ظرفیتهای تحقیقاتی سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج) است.

۵- زمینه‌سازی ارتقای فرهنگی و منزلت اجتماعی زنان

به دلیل بالا بودن ضریب آسیب‌پذیری اجتماعی زنان به‌ویژه وضعیت جوامع در حال توسعه، تاریخ گواه نزول شأن زنان در ادوار مختلف بوده است. بدون شک، مهم‌ترین اقدام به منظور احیای شخصیت و هویت زنان و شناسایی منزلت آنان در اجتماع، در پرتو تأکید اسلام بر کرامت انسانها و مبارزه با سنت‌های نادرست جوامع جاهلیت، به انجام رسید. قبل از انقلاب اسلامی نیز بهره‌گیری از زنان به عنوان «ابزار» یا همان استفاده ابزاری از آنها به فرهنگی غالب در دستگاه حکومتی تبدیل شده بود. راهبران انقلاب اسلامی و نظام نوین جمهوری اسلامی با اذعان به مظلومیت زنان و آسیب‌هایی که در جریان استحاله فرهنگی ناشی از سلطه اجانب بر امور مختلف ایران متحمل شده بودند، ضرورت حمایت خاص از زنان در جامعه اسلامی را مورد تأکید قرار دادند.

با اینکه اقدامات گسترده‌ای به منظور حصول به این هدف و ارتقای منزلت زنان در جامعه به عمل آمده اما هنوز برخی عناصر منفی فرهنگهای گذشته از بین نرفته است. به نظر می‌رسد بایسته است با اتخاذ تدابیر هدفمند و هماهنگ، هویت و منزلت زنان ایرانی و مسلمان اعم از شاغل بودن یا نبودن آنها در مشاغل عمومی و دولتی و سایر خصوصیات، مورد حمایت قانونی قرار گرفته، در جریان امور سازنده اجتماع قرار گیرند به‌گونه‌ای که عملاً همانند مردان در صحنه‌های مختلف امکان مشارکت و حضور فعال یابند.

یکی از این صحنه‌ها، حمایت از دستاوردهای انقلاب و اصول ارزشی نظام است. از این جهت، اقدامات فرهنگی بسیج نه تنها موجبات تطبیق فرهنگ عمومی با موازین اسلامی و اصلاح نگرش اجتماع نسبت به زنان را فراهم می‌کند بلکه تسهیلات لازم برای فرهنگ‌سازی و اجتماع‌پذیری زنان را مهیا می‌سازد. از آنجا که هنوز برخی آثار تنزل هویت زنان در فرهنگها باقی مانده است، توانمندسازی زنان برای گذار از موانع ناشی از فعلیت نیافتن برخی از وجوه ابتکار عمل و تدبیر زنان نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

بدون شک، شخصیت و منزلت دادن به زنان از طریق احتساب نقش و حضور آنان در صحنه‌های مهم کشور به‌ویژه دفاع از کوی و برزن، مقاومت در برابر سلطه خارجی، اقدام فرهنگی و سیاسی به منظور پاسداشت ارزشهای اجتماعی و اسلامی و سایر برنامه‌هایی که بسیج در راستای تحقق اهداف تأسیسی خود تنظیم و تصویب می‌کند، فراهم خواهد شد. بنابراین، توفیق برنامه‌ها و مأموریت‌های فرهنگی بسیج با توجه مناسب بلکه هرچه بیشتر به وضعیت زنان در کشور و توانمندیهای آن رابطه مستقیم دارد.

این سلسله اقدامات، در صورتی که با توجه مناسب و همچنین الگوپذیری سایر نهادها همراه باشد، درجه تعمیق فرهنگ اصیل اسلامی در کشور و برابری حقوق و تکالیف انسانها بر مبنای برابری شأن و کرامت انسانی شان را به‌منظور شکل‌گیری مدیریت مطلوب اجتماع در مسیر کمال و تعالی فرد و اجتماع، ارتقا خواهد بخشید. از آنجا که ساخت و پرداخت فرهنگ به فعل و انفعالات کلیه اعضای آن بستگی دارد، فرهنگ قوی و یکدست کشور در صورت همبستگی مردان و زنان ایرانی و مسلمان ایجاد خواهد شد و نهادهای فرهنگی همانند بسیج باید در زمینه‌سازی ارتقای همبستگی در میان افراد تلاش کنند.

۶- تحکیم و بسط بسیج از طریق آشنایی زنان با کارکردهای آن

از آنجا که در جوامع پیچیده امروزی، همبستگی اجتماعی از مبانی مکانیکی و خودبه‌خود یا طبیعی فراتر رفته و متکی به همبستگی ارادی یا دینامیک است، تجمیع افراد حول محوری مشخص تنها با اقدام فکری و عقلانی میسر است. از آنجا که بسیج «اقدام جمعی برای دفاع، تأمین امنیت و حفاظت از ارزشهای مشترک جمعی است» (پرچی، ۱۳۸۲، ص ۴۷)، ارزشهای مشترک جمعی ناشی از تجمیع افراد و همچنین سازمان

و برابند بسیج باید به روش آگاهی و تصمیم ارادی توجیه شود. به عبارت دیگر، تشکیل تشکلی فراگیر و همبسته از کلیه افراد ایرانی حول محور بسیج توانمندیهای فردی به منظور هدایت اقدامات جمعی و ملی، مستلزم صرف حداکثر تلاش و تمرکز بر توجیه عقلایی و هم‌اندیشی ارادی این مجموعه از افراد است.

در این میان، جذب مشارکت زنان به عنوان نیمی از اعضای اجتماع ایرانی در بسیج، مستلزم اقداماتی است که اراده آنها در این خصوص را فعال کرده و تحرک بخشد. مقدمه چنین نتیجه‌ای، آشناسازی آنها با قابلیت‌ها و توانمندیهای فردی زنان و اهمیت و سازندگی نیروی عظیم ناشی از تجمع این توانمندیها در جهت دادن به برنامه‌ها و استراتژیهای بسیج است.

برگزاری نشستهای ویژه، تخصصی و عمومی زنان بسیجی، برگزاری برنامه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی برای زنان داوطلب عضویت در بسیج در سراسر کشور به صورت سراسری یا جداگانه، تدارک دوره‌های بازآموزی زنان بسیجی، انجام مانورهای اختصاصی بسیجیان زن و حضور مداوم گردانهای الزهرا(س) در مانورهای سپاه و حتی تدوین مجموعه انتشارات توجیهی و اطلاع‌رسانی از بسیج (مانند بختیاری، ۱۳۸۲)، از جمله این موارد به نظر می‌رسد. البته بسیاری از این اقدامات اجرا شده است که در این صورت، تقویت آنها و تأکید بر انتقال اطلاعات مربوط به نقش و مأموریت کلی بسیج به سایر زنان و اعضای جامعه، توصیه می‌گردد.

۷- فراهم ساختن زمینه‌های فعالیت سازمانی و جمعی زنان بسیجی

حضور بازیگران غیردولتی (Non-State Sector or Actors) در روابط اجتماعی، مؤید بلوغ فکری حاکم بر معادله فرادستی- فرودستی (Governor-Governee) در جامعه سیاسی است. این بازیگران تبلور وجدان بیدار جمعی و نماینده این وجدان در جهت دادن به بینش‌ها و اقدامات مردمی و همچنین تحدید نوع و شکل اعمال اقتدار عمومی از سوی نهادها و مقامات حکومتی هستند. بر این اساس، حوزه اصلی نقش‌آفرینی این سازمانها و تشکلات، تأثیرگذاری بر شکاف ناشی از دارندگی و اعمال‌کنندگی یا قابلیت‌ها و فعلیتهای حاکمیت در چارچوب تکوین گروههای فرازین و فرودین در جامعه سیاسی است. (ساعد و تیلا، ۱۳۸۳)

از آنجا که این تشکلهای در پدیداری و تکوین، وصفی خودجوش دارند، ظهور آنها مؤید آن است که درک فرودستان از قابلیتها، داشته‌ها و اثربخشی اقدامات خویش در حوزه اقتدار عمومی چنان بلوغی یافته که تفویض حاکمیت خویش بر اساس و منش نماینده سالاری (Representative Democracy) را هرگز به معنای قطع کامل رابطه خود با اصل و منشأ حاکمیت (Sovereignty) نمی‌دانند و نظارت بر شکل اعمال این اختیارات تفویض شده را نه تنها «حق»، بلکه تکلیف اجتماعی (و حتی حقوقی) خویش می‌انگارند. از طرف دیگر، بها دادن به این تشکلهای توسط نظم حقوقی و گروه حاکم به منزله قبول شفافیت در رفتار و عملکردهای حکومتی بر اساس منشور و میثاق سیاسی - حقوقی کشور (قانون اساسی) و گذار به شکل‌گیری دولت شفاف، خدمتگزار و قانون‌مدار است.

بسیج خود یک تجمع سازماندهی شده عموم افراد، اقشار و اصناف جامعه به منظور حصول اهداف معین و مشخصی است که برآیند آن تأمین نظم و امنیت در جامعه و منافع عمومی خواهد بود. همان‌طور که در تحلیلهای علمی نشان داده شده است (مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸، صص ۲۴-۲۵)، امروزه تأمین منافع عمومی و مدیریت امور مختلف و پیچیده اجتماع تنها یک مسئله دولتی نیست بلکه مردم خود از طریق تشکلهای مردمی و غیرحکومتی می‌توانند در آن سهیم شده و به دولت در این راستا کمک کنند. تشکیل سازمانهای غیردولتی از مهم‌ترین محورهای مطرح نظر در این گستره هستند.

با اینکه کلیات مأموریتها، روشهای انجام آنها و تأمین اهداف تشکیل نیروی مقاومت بسیج چه در قالب فرامین فرماندهی و چه در پرتو قوانین و مقررات موضوعه، حاکی از امکان گسترش سازمانهای غیردولتی بسیجی از طریق ابتکار و مدیریت نیروی مقاومت (با هماهنگی برخی از دیگر نهادهای دولتی ذی‌ربط) می‌باشد، قانون برنامه چهارم نیز با پیش‌بینی تمهیداتی خاص در این رابطه، امکان ابتکار عمل بسیج را افزایش داده است. ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم، مهم‌ترین نص قانونی در بسط فعالیت تشکلهای غیردولتی بسیجی به منظور سازماندهی فعالیتهای زنان است. بر اساس این ماده:

دولت موظف است با هدف حمایت و تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصتها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور اقدامات زیر را به عمل آورد:

- تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمانهای غیردولتی و تشکلهای زنان

به مجلس شورای اسلامی. (بند ب)

بدون شک با توجه به نقش نیروی مقاومت بسیج در تحت پوشش قرار دادن درصدی عظیم از زنان (زنان بسیجی)، اولاً؛ مفاد این لایحه باید با در نظر داشتن اوصاف و خصایص زنان بسیجی و امکان تشکّل آنها در قالب سازمانهای غیردولتی باشد و ثانیاً؛ سازماندهی زنان بسیجی در جهت تحقق مأموریتها و اهداف بسیج مردمی، با نظارت نیروی مقاومت بسیج بوده و مرجع صدور مجوز و نظارت کارکردی آنها نیز در بدنه این نیرو پیش‌بینی شود. بدون شک، استقرار این ایده منوط به ابتکار عمل و پیگیری نیروی مقاومت بسیج خواهد بود.

از طرف دیگر، در قالب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی زمینه مطالعات در امور زنان از جمله مطالعه در مورد سازمانهای غیردولتی زنان در سطح جهان فراهم شده است. کمیته امور بین‌الملل شورای فرهنگی و اجتماعی زنان که نماینده نیروی مقاومت نیز عضو آن است، وظیفه دارد در خصوص تشکلهای، انجمنها و جمعیت‌های دولتی و غیردولتی مربوط به زنان در سطح جهان، مطالعات و تحقیقات لازم را به عمل آورد (مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۴۳۲، بند ۲ ماده ۲). بسیج می‌تواند از این امکان برای شناخت دقیق‌تر وضعیت سازمانهای غیردولتی زنان در سایر کشورها استفاده کرده و چارچوب دقیق یک سازمان غیردولتی را برای زنان بسیجی فراهم سازد و به تصویب مراجع صلاحیتدار نظیر فرماندهی کل قوا برساند.

بدون شک، به دلیل تقارن حضور زنان بسیجی در این تشکلهای مستقل از یک سو و حضور فعال در اجرای برنامه‌ها و اقدامات بسیج از سوی دیگر، نوعی همگونی و تأثیر و تأثر متقابل میان نیروی مقاومت بسیج و تشکلهای غیردولتی مذکور پدیدار خواهد شد. لذا حمایت نیروی مقاومت از این تشکلهای مؤثر بر کارکرد بسیج، موجب می‌شود که اثربخشی آنها در مدیریت امور عمومی افزایش یابد.

نتیجه

در جهان امروز که نقش و نیروی اجتماعی فرهنگ نسبت به گذشته به مراتب افزون‌تر شده است، ضرورت هماهنگی و همسویی صاحب‌نظران و کارشناسان و برنامه‌ریزان هر کشور با نیازهای فرهنگی جامعه نیز بیشتر احساس می‌شود. جامعه

رشید، جامعه‌ای است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکت اجتماعی باز شناخته، از تظاهرات و تمایلات کاذب یا گذرا تفکیک کند و قدرت پاسخگویی و بهره‌گیری از آنها را در جهت رشد و کمال معنوی و مادی داشته باشد (همان، ۱۳۷۸، ص ۴۶۰-۴۵۹؛ اصول سیاست فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۷۱/۶/۲) در این میان، فرهنگ که ساخته و پرداخته اعضای اجتماع و نتیجه مناسبات آنهاست، بدون توجه به سازندگان و طرفین این مناسبات و همچنین بسترهای اجتماعی بروز و ظهور حرکت‌های اجتماعی همگرا و واگرایانه آنها میسر نیست. تکیه بر نقش زنان در فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری و صیانت فرهنگی، در این فرایند به خوبی معنا دار می‌شود.

اصلاح ساختار فرهنگ اجتماع به‌ویژه با در نظر گرفتن ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین دلمشغولی‌های دولتمردان کشور بوده است. تکیه بر نقش بسیج در حصول این غایت به دلیل و جاهت بسیج در میان عموم افراد جامعه، چه به لحاظ گستره وسیع مردمی آن و چه به جهت نگاه ویژه بسیج به تأمین منافع عمومی و حمایت از آنها در کنار حفظ نظم عمومی، بوده است. همین امر سبب شده حضور مؤثر بسیج در فرهنگ‌سازی انقلابی و مقابله با تهاجم فرهنگی، از مهم‌ترین دغدغه‌های این نیرو باشد.

از این دید، بسیج نهادی فرهنگی است؛ به‌گونه‌ای که بند ۳-۱ از اهداف و سیاست‌های کلی فرهنگی برنامه سوم توسعه کشور به صراحت «تبيين و ترويج و گسترش فرهنگ و ارزشهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به ویژه معرفی جلوه‌ها و نمونه‌های ایثار و اخلاص و سیره بسیجی» (همان، ص ۷۱۹) را مورد تأکید قرار داد. در بند ۴-۴ از راهکارهای فرهنگی - اجتماعی برنامه دولت نهم نیز «بسیج» به عنوان نهادی که از طریق جلب مشارکتهای عمومی موجب می‌شود زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی همبستگی ملی ایجاد شود، یاد کرده است (برنامه دولت نهم، ۱۳۸۴، ص ۲۶). با توجه به اینکه امنیت فرهنگ عمومی یکی از لوازم اساسی سلامت جامعه است، حضور مؤثر بسیج در تعیین، تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی امری ضروری است. در این میان، حضور زنان به دلیل نقش‌های چندگانه آنان خواه به عنوان بخشی از همکاران و نقش‌آفرینان در تبیین و تدوین راهبردها و فعالیت‌های عمومی یا خاص بسیج و یا مخاطبانی که با پذیرش این تدابیر، تحقق آرمانها و اهداف بسیج را مورد حمایت قرار می‌دهند، از

اهمیتی شایان توجه برخوردار است.

بدون شک، قوانین و مقررات مربوط به بسیج بدون آنکه تأکید خاصی بر تقسیم جنسیتی اعضای جامعه ایرانی داشته باشد، بسیج عمومی را با حضور همه افراد و آحاد ملت و کلیه صنوف و اقشار مدنظر قرار داده است؛ لذا در این راستا می‌توان نقش مردان و زنان را یکسان پنداشت. با این حال، وضعیت خاص زنان و قابلیت‌های ویژه آنها که امری جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است، می‌تواند بر استراتژی بسیج به‌ویژه منابع و اهداف بسیج و نحوه بهره‌گیری از این منابع برای حصول به اهداف عالی آن، تأثیر فراوان و شاخص داشته باشد. از این جهت، به نظر می‌رسد توجه بیشتر به نقش و قابلیت‌های متفاوت زنان در جامعه ایرانی در سیاست‌های بسیج به صورت عام و در امور فرهنگی و اجتماعی به صورت خاص، می‌تواند تسریع در شکل‌گیری بسیج عمومی (حتی گذار از ارتش بیست میلیونی به ارتش ملی) را فراهم سازد.

با اینکه پیوستگی امور فرهنگی با مأموریت‌های کلان بسیج (بسیج تنها نهادی از ساختار دولتی کشور است که با پیوند خوردن به نخستین و پایه‌ای ترین سطوح اجتماع، تمایل به حضور کلیه آحاد ملت دارد و همه آنها را همزمان به عنوان عضو سازنده و مخاطب فعال در اجرای مأموریت‌های بسیج شناسایی کرده است) کاملاً روشن است اما بعضاً قوانین و مقررات ناظر بر این امور، از نهادهای خاص متولی امور فرهنگی، بدون توجه به وضعیت بسیج یاد می‌کنند.

در هر حال، اتخاذ تدابیر و انجام اقدامات در خصوص حمایت از زنان در جریان دفاع از ارزش‌های اجتماعی و نظام سیاسی، یکی از انتظارات عمومی از بسیج است (مصباح و عبدالملکی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵). در این راستا بسیج با بهره‌گیری از ساختارهای قانونی موجود به‌ویژه شورای گسترش فرهنگی و اجتماعی زنان می‌تواند ضمن بسط بسیج خواهران (شیرازی، ۱۳۸۳، ۶۱) و افزایش دامنه حضور کمی و کیفی آنها در امور مختلف جامعه که ارتباط تنگاتنگ با حوزه‌های مأموریتی بسیج دارند، در این خصوص پیشگام باشد و اصلاحات لازم را در خصوص سیاست‌های فرهنگی کشور در کلیت آن و سیاست‌های خاص مربوط به زنان و نقش بسیج در این رابطه (چه در مرحله تبیین و شکل‌گیری و چه در اجرا) به مراجع صالح پیشنهاد کند.

وضعیت کنونی جامعه بیش از هرچیز توجه جامع و هماهنگ نهادهای مختلف فرهنگی را طلب می‌کند و چه بهتر که ابتکار عمل در این زمینه با عمیق‌ترین و عمومی‌ترین نهاد فرهنگی؛ یعنی نیروی مقاومت بسیج باشد. نتایج این ابتکارات، با ارتقای اقتدار و اثربخشی بسیج در انجام کلیه مأموریت‌های ذاتی آن ارتباط مستقیم دارد. در واقع؛ نتایج مفید آن (نظیر تعمیق همبستگی عمومی و همگونی فرهنگی جامعه به عنوان عاملی برای تقویت مبانی و عناصر دفاع از تمامیت ارضی در برابر هرگونه تهاجم خارجی یا ناآرامی داخلی) موجب می‌شود ایفای سایر مسئولیت‌های بسیج نیز تسهیل گردد.



منابع

- ۱- الیاسی، محمد حسین و سوری، فاطمه (۱۳۸۳)؛ «بررسی میزان آمادگی زنان ایرانی مقابله با بحرانهای سیاسی-امنیتی»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۲ (بهار).
- ۲- الیاسی، محمد حسین و دیگران (۱۳۸۲)؛ *نقش و کارکرد زنان در بحران*، تهران، دفتر امور زنان سپاه.
- ۳- امام خمینی (ره) (بی تا)؛ *صحیفه نور*، ج ۱۴، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- بختیاری، حسن (۱۳۸۲)؛ *آشنایی با بسیج*، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج.
- ۵- پرچمی، داود (۱۳۸۲)؛ «سنجش گرایش مردم به بسیج»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۱۹-۱۸، (بهار و تابستان).
- ۶- دوورژه، موریس (۱۳۷۶)؛ *جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی، تهران، دانشگاه تهران، چ چهارم.
- ۷- زروندی، مهدی (۱۳۸۳)؛ «معرفی کتاب: نقش و کارکرد زنان در بحران»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۲، (بهار).
- ۸- ساعد، نادر و تیلا، پروانه (۱۳۸۳)؛ «بازشناسی سازمانهای غیردولتی در پرتو نظم حقوقی: فرصتها و ظرفیتهای فراروی بسیج»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۳، (تابستان).
- ۹- شریفی، رضا (۱۳۸۲)؛ «شاخصه‌های روحیه اسلامی - انقلابی بسیجیان»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۱۹-۱۸، (بهار و تابستان).
- ۱۰- شیرازی، رباب (۱۳۸۳)؛ «بررسی شیوه‌های فراخوانی و به کارگیری خواهران بسیجی»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۳، (تابستان).
- ۱۱- قاسمی، مهدی (۱۳۸۲)؛ «بررسی نقش کانون های فرهنگی - ورزشی بسیج در حفظ انسجام بسیجیان»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۱۹-۱۸، (بهار و تابستان).
- ۱۲- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۹)؛ *هفت ستون سیاست*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۱۳- مصباح، حسین و عبدالملکی، هادی (۱۳۸۲)؛ «بررسی توقعات و انتظارات مردم و بسیجیان از بسیج»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۱۹-۱۸، (بهار و تابستان).
- ۱۴- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۳)؛ «در دفاع از حقوق اساسی»، *روزنامه ایران*، شماره ۵۴، (خرداد).
- ۱۵- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۷)؛ *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۶- *برنامه دولت نهم* (۱۳۸۴)؛ دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، (مرداد).
- ۱۷- قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲۸، *روزنامه رسمی* ۱۳۵۹.
- ۱۸- *مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور* (۱۳۵۹)؛ لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی مصوب ۱۳۵۹/۲/۱۰، *روزنامه رسمی*، شماره ۱۰۲۸۰-۱۳۵۹/۳/۲۴.
- ۱۹- *مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور* (۱۳۵۹)؛ قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲۸.
- ۲۰- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
- ۲۱- *مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی* (۱۳۷۸)؛ تهران، ریاست جمهوری.

English Reference

- 22_ Strack, Christian (2003); *Legitimacy of Constitutional Adjudication and Democracy*, University of Gttingen.